



## درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۱/فروردین/۱۳۹۶

موضوع کلی: اوامر

مصادف با: ۱۲ رجب ۱۴۳۸

موضوع جزئی: مقدمه واجب - مباحث مقدماتی - واجب معلق و منجز -

بررسی اشکال محقق خراسانی به صاحب فصول

جلسه: ۸۳

سال هشتم

# «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

## اشکال محقق خراسانی به صاحب فصول

اشکالی که از طرف ایشان به صاحب فصول ایراد شده مربوط به این بخش از کلام صاحب فصول است که فرموده: واجب معلق واجبی است که معلق بر امر غیر مقدور می شود.

اگر خاطرتان باشد تعریفی که صاحب فصول از واجب معلق ارائه دادند عبارت از این بود که واجب معلق واجبی است که در آن تعلیق بر یک امر غیر مقدور مثل زمان وجود داشته باشد و اگر وجوب متعلق شود به چیزی که مشروط شده یا معلق شده باشد بر امری که مقدور مکلف و تحت قدرت و اختیار مکلف نیست، واجب معلق نامیده می شود.

طبق تعریف صاحب فصول واجب معلق مختص است به چیزی که معلق شده بر یک امر غیر مقدور مثل وجوب حج که معلق شده پس بر ایام حج که وقوف در مشعر و منا و وقوف در عرفات در ایام خاص است. بالاخره حج معلق شده بر یک امری به نام زمان که آن مقدور مکلف نیست زیرا مکلف زمان را نمی تواند جابجا کند. در این موارد صاحب فصول قائل به این شدند که وجوب فعلی است و واجب استقبالی. زیرا این اعمال و مناسک فقط باید در آن ایام انجام شود، لذا ایشان قائل به فعلیت وجوب و استقبالیست واجب گردید و محدوده واجب معلق را اموری قرار داد که معلق بر امر غیر مقدور شده اند.

محقق خراسانی به صاحب فصول اشکال کرده که چرا واجب معلق را اختصاص به چیزی دادید که معلق بر امر غیر مقدور است. اگر شما ملاک واجب معلق را این می دانید که وجوب فعلی و واجب استقبالی است و غرض هم این است که با این راه حل مقدمات آن واجب را واجب کنید و وجوب فعلی مقدمه را ثابت کنید، وجهی ندارد واجب معلق را اختصاص به امور غیر مقدور دهید. به عبارت دیگر همانطور که قبلاً بیان شد طبق نظر صاحب فصول واجب معلق یعنی واجبی که در آن وجوب فعلی است و واجب استقبالی و چیزی که باعث گردید صاحب فصول به واجب معلق ملتزم شود این بود که ملاحظه نمود اموری مبتنی بر مقدماتی است که قبل از رسیدن زمان واجب باید اتیان شوند. لذا فرمودند: راه حل این مسئله این است که یک وجوب فعلی برای ذی المقدمه درست کنیم که از ناحیه آن وجوب فعلی ذی المقدمه (که زمانش مربوط به آینده است) وجوبی برای مقدماتش ایجاد شود تا از الان بتوان آن مقدمات را اتیان کرد و الا اگر وجوب فعلی مقدمه ثابت نشود به چه دلیل از الان باید مقدمات را اتیان کنیم.

پس آن ملاک و عاملی که باعث شد صاحب فصول به این قسم از واجب ملتزم شود دیگر جایی برای این باقی نمی گذارد که آن امری که قرار است بر آن معلق شود حتماً امر غیر مقدور باشد بلکه به طور کلی می توانیم واجب معلق را تعمیم دهیم به هر چیزی

که معلق بر یک امر متاخر است، اعم از این که مقدور باشد یا نباشد. مثلاً فرض کنید مسئله زمان نباشد و معلق علیه مقدور مکلف است. چه اشکالی دارد که ما دایره واجب معلق را توسعه دهیم به چنین اموری.

پس اشکال محقق خراسانی به صاحب فصول عبارت است از این که وجهی برای اختصاص واجب معلق به اموری که معلق بر امر غیر مقدورند وجود ندارد، بلکه واجب معلق می تواند شامل چیزهایی شود که معلق بر امر مقدورند. تنها چیزی که در این ملاک مهم است این است که آن امر متاخر باشد و الان وجود نداشته باشد. همچنین می توانیم واجب معلق را تعمیم دهیم به مواردی که آن شیء مقدور متاخر قابلیت ترشح و جوب بر آن در ظرف واجب را دارد. زیرا آن شئی که متاخر است گاهی زمان است که غیر مقدور است مثل ماه ذی الحجه و گاهی یک امر مقدور است. گاهی قبول ترشح و جوب بر آن می شود یعنی از اموری است که یقبل لترشح الوجوب علیه فی ظرف الواجب که در این قسمت محقق خراسانی می فرماید: «سواء كان المقدور المتأخر مما یقبل لترشح الوجوب علیه فی ظرف الواجب او لا یقبل» آن امر مقدور متاخر می تواند در ظرف واجب و جوب بر او متشرح بشود اما گاهی این قابلیت را ندارد.

علت این که این تعمیم را می توان در واجب معلق داد این است که ملاکی که صاحب فصول برای واجب معلق بیان کرده در همه این موارد نیز وجود دارد. اگر قرار باشد ملاک واجب معلق فعلیت و جوب و استقبالیّت واجب باشد پس هر جا که این ملاک وجود داشته باشد و قابلیت تحقق داشته باشد می توانیم آن را به عنوان واجب معلق بدانیم.

پس اشکال محقق خراسانی در حقیقت اشکال به محدودیت دامنه واجب معلق است. هر چند خود ایشان واجب معلق به این شکل را محل اشکال دانسته و به صاحب فصول اشکال وارد نموده و در جلسه قبل نیز از طرف ایشان دو راه حل در مواردی که در شرع وارد شده است را ذکر کردیم ولی در عین حال می گویند با منطق صاحب فصول که واجب معلق را عبارت از چیزی می دانند که وجوب در آن فعلی است و واجب، استقبالی و با ملاحظه این که علت التزام به واجب معلق این بود که ایشان مقدمات را قبل از زمان اتیان به واجب و ذی المقدمه متصف به وجوب فعلی کنند، دیگر چرا فقط اختصاص پیدا کند به چیزی که معلق بر امر غیر مقدور شده است.

ان قلت: اگر دامنه واجب معلق توسعه داده شود و شامل امور مقدور نیز شود، دیگر چه فرقی است بین واجب معلق و مشروط؟ در واجب مشروط نیز مسئله از همین قرار است.

قلت: فرق واجب معلق و مشروط این است که در واجب مشروط، وجوب فعلیت ندارد، قبل از آن که شرط تحقق پیدا کند، فقط در یک صورت وجوب در واجب مشروط فعلیت پیدا می کند و آن جایی است که شرط به نحو شرط متاخر اخذ شود.

خلاصه: اشکال محقق خراسانی این است که دامنه واجب معلق را باید توسعه داد و مختص به ما علق علی امر غیر مقدور نشود زیرا با این ملاک شامل امور مقدوره نیز می شود و فرق آن نیز با واجب مشروط کاملاً روشن است زیرا در واجب مشروط وجوب قبل از تحقق شرط فعلیت ندارد مگر در شرط متاخر زیرا در این صورت فرض حصول شرط می شود. اما در واجب معلق قبل از آن شرط متاخر و آن امر متاخر وجوب فعلیت دارد. لذا اگر وجوب فعلیت داشت، یک وجوب غیری از آن سرایت به مقدمات می کند و مقدمات را نیز واجب می کند.

نتیجه ای که از کلام محقق خراسانی به دست می آید این است که این وجوب بر سه قسم است:

۱: وجوب منجز یا واجب منجز یعنی وجوبی که معلق بر هیچ امری نیست و واجب منجز یعنی واجبی که در آن تعلیق بر هیچ امری صورت نگرفته است.

۲: وجوب معلق به نحوی که محقق خراسانی بیان نمودند. یعنی وجوبی که معلق می شود بر امر مقدور و غیر مقدور

۳: وجوب مشروط به شرط متاخر با فرض حصول شرط

این سه مورد در واقع وجوب هایی هستند که از آن ها می تواند یک وجوب غیری ترشح کند به مقدمه.

به عبارت دیگر نتیجه کلام محقق خراسانی این است که در سه قسم می توانیم یک وجوب غیری به سوی مقدمه داشته باشیم و از وجوب خود آن شئی یک وجوب غیری ترشح کند به مقدمه لذا مقدمه نیز واجب می شود و اتیان به مقدمه نیز قبل از حصول شرط لازم می شود.

یکی در همه واجبات منجز که مسئله روشن است زیرا وقتی وجوب منجز شود یعنی قطعی و فعلی است لذا یک وجوب غیری از این واجب منجز سرایت می کند و مقدمه را نیز واجب می کند به وجوب غیری.

دوم هر واجب معلقی که در آن وجوب فعلی باشد می تواند وجوب از آن به مقدمه سرایت کند و مقدمه را واجب کند. اعم از این که ما علق علیه یک امر مقدور باشد یا غیر مقدور.

سوم وجود مشروط به شرط متاخر اما وجوب مشروط به شرط مقارن یا شرط متاخری که فرض حصول شرط و فرض وجود شرط نشده دیگر قابلیت مذکور را ندارند.

### بررسی اشکال محقق خراسانی

بعضی از بزرگان به این تعمیم اشکال کردند و این تعمیم را قبول نکردند<sup>۱</sup>.

ایشان می فرمایند: این امر مقدور که قرار است وجوب بر آن معلق شود از دو حال خارج نیست:

الف: واجب بدون قید تاخر معلق بر امر مقدور می شود. یعنی وجوب معلق بر آن امر مقدور می شود به نحو مطلق و هیچ قیدی نیز ندارد

ب: واجب با قید تاخر معلق بر امر مقدور می شود.

اگر این امر مقدوری که واجب، معلق بر آن شده به نحو مطلق باشد، در حقیقت بازگشت به واجب منجز می کنند و دیگر واجب معلق نیست. زیرا فرض این است قید تاخر دیگر در کار نیست و به طور کلی معلق شده است بر یک امر مقدور به نحو مطلق اعم از این که متاخر باشد یا نباشد. که همان واجب منجز است نه واجب معلق.

اما اگر این امر مقدوری که واجب بر آن معلق شده، مقید شود به آن امر مقدور با قید تاخرش، یعنی مقید شود به زمان متاخر. ولی این امر مقدور الان مقصود نیست بلکه سه ماه دیگر مثلا مقصود است.

پس دو خصوصیت در معلق علیه وجود دارد:

۱: امر مقدور است و مانند زمان نیست که در اختیار و قدرت مکلف نباشد.

۲: این که زمان معلق علیه متاخر است. یعنی واجب معلق شده بر آن شئی مقدور مقید به زمان متاخر.

<sup>۱</sup> منتهی الاصول، ج ۲، ص ۱۷۱ و ۱۷۲

نتیجه این است که این امر از مقدور بودن خارج شود. یعنی اگر آن معلق علیه فی نفسه مقدور است ولی آن امر مقدور مقید به آن زمان متاخر باشد دیگر از مقدور بودن خارج می شود زیرا مقید به زمان متاخر و آینده شده که در اختیار مکلف نیست. پس وجهی برای این تعمیم به نظر نمی رسد.

**خلاصه:** صاحب فصول واجب معلق را مختص کرده به آن واجباتی که معلق شده اند به امور غیر مقدوره. اما محقق خراسانی می فرماید: وجهی برای این اختصاص نیست بلکه شامل امور مقدور هم می شود اشکال برخی از بزرگان به ایشان این است که لا وجه لهذا التعمیم زیرا آن امر مقدور از دو حال خارج نیست: یا خودش مقید نیست یا مقید است اگر آن امر مقدور مقید به قید زمان نباشد یرجع الی الواجب المنجز و واجب معلق به حساب نمی آید و اگر آن امر مقدور مقید شود به زمان متاخر یخرج عن کونه مقدورا، از مقدور بودن خارج می شود. درست است که خودش مقدور است اما چون مقید به زمان متاخر شده دیگر از مقدور بودن خارج شده است.

پس واجب معلق ای ما علق علی امر غیر مقدور که در آن وجوب فعلی و واجب استقبالی است. مورد اشکال محقق خراسانی واقع شد ولی اشکال محقق خراسانی به صاحب فصول وارد نیست.

«الحمد لله رب العالمین»